تصحیح قیاسی در جمله ای از تاریخ بیهقی

غلامرضائی، محمد

5-لا،یکی از حروف مشبهه به لیس(تقریبا مستعمل‏ترین حرف شبهه به لیس)

ج-در میان حروف و مفردات عربی باز هم به موارد زیر برخورد می‏کنیم که‏ قسمتی از ترکیب لفظی آنها«لا-لی»میباشد:

علی،الی،خلا-از حروف جر

لات-یکی از چهار حرف حروف مشبهه به لیس

لکن-یکی از شش حرف مشبهة بالفعل

اولاء،اولئک-از اسماء اشاره

الالی-از موصولات خاص

ألا-حرف تنبیه

ألا،هلا-حروف تخصیص

کلا-حروف ردع

لکن-حرف عطف

الا-حرف استفتاح

بلی-حرف جواب

لو لا-از ادات شرط

کلا،کلاهما-از اسماء ملحق به مثنی

د-خود حرف«ل»که در تعلیم الفباء همیشه بصورت«لام»تلفظ میشود.

هـ-مهمتر از همه این کلمات و مفردات و ترکیبات و صدها نظایر آنها،کلمه‏ توحید و لفظ جلاله و بالاخره شهادتین:اشهد ان لا اله الا اللّه که چهار بار لفظ«لا» در آن تکرار شده است و عبارت دیگر شهادتین:اشهد ان محمد رسول اللّه که تنها الفی‏ که در این عبارت است بعد از حرف«لام»واقع شده است.

و-این شواهد تنها بخشی از دلایلی است که کثرت استعمال لفظ«لا»را در میان الفاظ عربی مشخص می‏کند و کنکاش بیشتر موجب خواهد شد که«لام الف لا» های بیشتری را در میان کلمات و عبارات مستعمل عربی بعنوان شاهد مدعی ذکر نمود -از جمله خود کلمه«دلایل»که در نخستین جمله این بند آمد دلیلی طبیعی بر کثیر الاستعمال بودن لفظ«لا»در کلمات عربی و در نتیجه بر طبیعی بودن«لام الف‏ لا»در میان الفبای عرب تواند بود.

قدرت الله جعفری

\*\*\*

تصحیحی قیاسی در جمله‏ای از تاریخ بیهقی

در تاریخ بیهقی،ذیل عنوان«ذکر السیل»آمده است:«روز شنبه نهم ماه رجب میان دو نماز بارانکی خردخرد می‏بارید چنانکه زمین تر گونه می‏کرد.و گروهی از گله‏داران در میان رود غزنین فرود آمده بودند و گاوان بدانجا بداشته،هرچند گفتند از آنجا برخیزید که محال بود برگذر سیل بودن فرمان نمی‏بردند تا باران قوی‏تر شد، کاهل‏وار برخاستند و خویشتن را به پای آن دیوارها افگندند که به محلت دیه آهنگران‏ پیوسته است و نهفتی جستند و هم خطا بود و بیارامیدند.و بر آن جانب رود که سوی‏ افغان شال است بسیار استر سلطانی بسته بودند در میان آن درختان تا آن دیوارهای‏ آسیا و آخرها کشیده و خر پشته زده و ایمن نشسته و آنهم خطا بود که بر راهگذر سیل‏ نماز خفتن بدیری و پاسی از شب بگذشته سیل در رسید که اقرار دادند پیران کهن که‏ بر آن جمله یاد ندارند و درخت بسیار از بیخ بکنده می‏آورد و مغافصه در رسید.گله‏ داران بجستند و جان را گرفتند.و همچنان استرداران،و سیل گاوان و استران را در ربود و به پای پل رسید و گذر تنگ،چون ممکن شدی که آن چندان زغار و درخت و چهارپای بیک‏بار بتوانستی گذشت؟طاقهای پل را بگرفت چنانکه آب را گذر نبود و به بام افتاد...»1

مرحوم دکتر فیاض روی کلمهء«نماز دیگر»-در قسمت مشخص شده-شماره‏ زده و اختلاف نسخه‏ها و اظهارنظر خود را اینچنین نوشته‏اند:«و نماز دیگر...و بداشت در A نیست.در B هم از کلمهء«دیگر»تا«پس نماز»را میان دو هلال‏ گذاشته و در پای صفحه نوشته است که:«این قدر عبارت فقط در یک نسخه بود.»ولی‏ در سایر نسخه‏ها همهء اینها هست.احتمال سهو قلم قوی است و شاید همین‏قدر بوده‏ است:و باران بداشت تا پس نماز خفتن بدیری الخ.»2

از متن بیهقی و اختلاف نسخه‏ها و اظهارنظر مصحح چنین برمی‏آید که مفهوم‏ قسمت اول عبارت مشخص شده مبهم است و ذکر اختلاف نسخه‏ها هم راهگشای حل‏ ابهام نیست.

مفهوم عبارت بدین دلیل مبهم است که بهنگام«نماز دیگر»هنوز پل بر جای است‏ و هیچگونه حادثه‏ای روی ننموده و سیل هولناک پاسی از شب گذشته در رسیده و پل‏ را ویران کرده است.اشکال دیگری نیز در عبارت هست و آن اینکه«بداشتن»در اینجا به معنی«ادامه یافتن»است و روشن است که فاعل آن کلمهء«باران»است و این‏ کلمهء باران جز در سطر اول و چهارم-طبق چاپ دکتر فیاض-در سایر سطور نیامده است.آیا فصیح و بیهقی‏وار هست که ضمیر مستتر در«بداشت»به کلمه‏ای باز (1)-تاریخ بیهقی،تصحیح دکتر فیاض،چاپ دانشگاه مشهد،ص 2-340.قسمت‏هایی از متن‏ که به موضوع ارتباط نداشت حذف شد.

(2)-پاورقی صفحهء 341،همان مأخذ.

(3)-نگارنده به تاریخ بیهقی چاپ مرحوم ادیب دسترس نیافت اما در چاپ مرحوم سعید نفیسی‏ نیز در جملهء مذکور کلمهء«پل»ضبط شده است.مراجعه شود به آن چاپ،صفحهء 309(جلد اول)، سطر آخر.